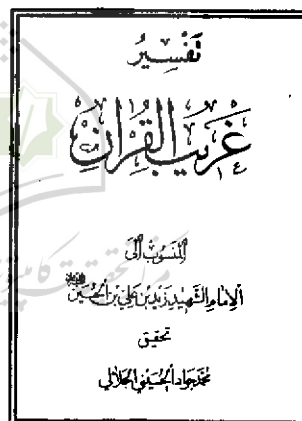


معرفیهای اجمالی

تفسیر غریب القرآن

زید بن علی (ع). تحقیق محمد جواد الحسینی الجلالی. (چاپ اول: قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴). ۵۸۴ ص، وزیری.

زید بن علی از عالمان، مفسران و فقیهان جلیل القدر تاریخ تشیع است. چهره خونین آن شهید بزرگ تاریخ اسلام در میان شهیدان راه فضیلت درخشش ویژه ای دارد. زید بن علی در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی آثار



ارجمندی از خود برجای نهاده است. (ر. ک: تاریخ التراث العربی، المجلد الأول، ج ۳، ص ۳۲۲؛ تفسیر الشهد زید بن علی، ص ۴۰؛ تفسیر غریب القرآن، ص ۲۰). آثار وی در تفسیر قرآن و توضیح و تبیین معارف آن با توجه به مرحله زمانی حیات زید بسی قابل توجه و شایان دقت است. زید بن علی مفسری است بزرگ و عالمی است آشنا به ابعاد قرآن. این حقیقت را معاصران وی گواهی داده اند و آثار وی نیز نشانگر این واقعیت صادق است. یکی از همعصران وی می گوید:

کسی را آگاهتر از زید به کتاب الله عزوجل، و مشکلات و اعراب و ناسخ و منسوخ آن نیافتم.

(الفهرست، ص ۲۴۱).

و دیگری می گوید:

به مدینه وارد شدم، از هرکس سراغ زید را گرفتم، گفتند او همدم و دمساز قرآن است. (الأرشاد، ج ۲، ص ۱۷۲). زید جانش از آموزه های قرآن مشتعل و قلبش آکنده از حقایق و حیانی بود. زید هرگز تعلیم و تعلم قرآن را از دست نهشت و در سخت ترین شرایط زندگی نیز از گستراندن معارف آن باز نایستاد. ابو غسان ازدی، که مدتی با زید در دیار شام در زندان طاغوت بنی امیه (هشام بن عبدالملک) بسر برده است، می گوید:

در روزگار هشام زید وارد شام شد. من او را داناترین فرد به کتاب الهی یافتم. هشام او را پنج ماه به زندان افکند و او در زندان به ما تفسیر می گفت. در این مدت سوره حمد و بقره را برای ما بسرعت تفسیر کرد. (زید الشهد، ص ۱۶). جایگاه زید در تفسیر قرآن و جریان تفسیر و تأثیر آثار وی در تفسیرهای ادبی پس از وی سخنی است که باید گفته آید در مقام دیگری.

به زید بن علی آثار قرآنی چندی نسبت داده شده است:

(۱) تفسیر غریب القرآن؛

(۲) قراءه زید بن علی؛

(۳) الصفوه؛

(۴) رساله فی مدح القله وذم الکثرة.

دانشمند ارجمند جناب سید محمد جواد حسینی جلالی

محترم در این مقدمه، افزون بر بحث از عنوان «غریب القرآن»، فهرست سودمندی از کتابهای این موضوع را به دست داده‌اند و بر روی هم از ۳۶۳ کتاب در این زمینه یاد کرده‌اند.

۲) الصفوة

در این مجموعه از برتری اهل البیت -ع- سخن رفته و به برگزیدگی آنان تأکید شده است. زید در این اثر در تفسیر آیه تطهیر، مصداق آن را اهل البیت -ع- می‌داند و از کسانی که آن را به زنان پیامبر تفسیر می‌کنند، به جهل و ناآگاهی یاد می‌کند. الصفوة را پیشتر آقای دکتر ناجی حسن به قطع جیبی و در صدوده صفحه چاپ کرده بود. محقق، چاپ ناجی را با تصحیح و افزونیهایی در این مجموعه آورده است. کتاب الصفوة را باید اولین نمونه تفسیر موضوعی تلقی کرد. به هر حال باتوجه به روزگار زید و چگونگی آثار قرآنی در آن روزگار، این اثر بسی قابل توجه است.

۳) القله والكثرة

در میان آثار زید از رساله کوچکی با عنوان مدح القله و ذم الكثرة یاد شده است. محققان زندگانی و آثار زید بر این باورند که این اثر مفقود شده است. (تفسیر الشهید زید بن علی، ص ۴۲). این رساله ظاهراً در کتابخانه عظیم عالم جلیل القدر سید بن طاووس بوده است. عالمان دیار شام در دیدار با زید بن علی، تجمع مردم بر گرد بنی امیه و کثرت پیروان آنان را نشانگر حقانیت بنی امیه تلقی می‌کردند! و زید در پاسخ آنان این رساله را با استناد به آیات فراوانی از قرآن می‌نگارد تا نشان دهد که فراوانی هرگز نشانگر حقانیت نیست. (سعد السعود، ص ۲۲۳). بخش اندکی از این مجموعه را سید بن طاووس نقل کرده که همان بخش با تحقیق و تصحیح در این مجموعه آمده است. فهرس پایانی کتاب دقیق است و سودمند. فهرست آیاتی که با قرائت ویژه‌ای نقل شده‌اند، فهرست آیاتی که بیش از یک قرائت داشته‌است، فهرست واژه‌هایی که لفظاً متفق و معنأً مختلفند و بالعکس، فهرست اضداد، فهرست لغات،

همت ورزیده و از مجموعه یاد شده شماره‌های اول و سوم و چهارم را تحقیق و تصحیح کرده که یکجا منتشر شده است.

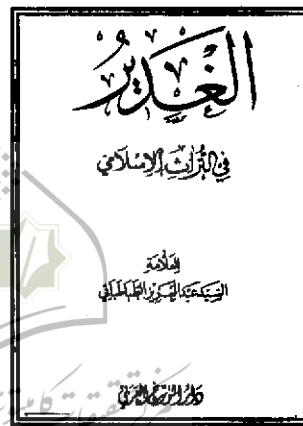
۱) مجموعه غریب القرآن را باید نخستین شکل تفسیر قرآن تلقی کرد. این گونه مجموعه‌ها که بیشتر تفسیر و تبیین واژگانی قرآن است، پیشینه کهنی دارند. اگر آثار برجای مانده منسوب به ابن عباس را در این زمینه آثار مدون تلقی نکنیم، باید زید بن علی را اولین نگارنده تفسیر غریب القرآن بدانیم. (تفسیر الشهید زید بن علی، تحقیق حسن محمد تقی الحکیم، ص ۱۲-۱۴). محقق محترم کتاب را براساس تنها نسخه‌ای که در اختیار داشته، تصحیح کرده است. وی در تحقیق کتاب آیات را شماره گذاری کرده و برخی تصحیفها و تحریفهای راه یافته در متن را زدوده و در پانوشتها بدان تبه داده است. اگر آیه‌ای در ضمن آیه دیگر و در ضمن تفسیر سوره‌ای تفسیر شده، آن تفسیر را در ذیل ردیف اصلی آیه آورده و بدان اشاره کرده است. نسخه‌ای که محقق براساس آن کتاب را تحقیق کرده، ناقص بوده و سوره‌های ابراهیم، حجر، نحل، اسراء، كهف و مریم را نداشته است. محقق محترم این بخش را بر سیاق تفسیر زید و با توجه به آثار غریب القرانی نزدیک به عصر زید تنظیم و تکمیل کرده است. یادآوری کنم دو نسخه از سه نسخه‌ای که آقای دکتر حسن حکیم (محقق دیگر کتاب) در اختیار داشته، این بخش را داشته است. محقق محترم مقدمه‌ای نوشته‌اند دراز دامن و سودمند و در آن از زندگانی علمی و سیاسی زید بتفصیل سخن گفته و آثار و مآثر وی را گزارش کرده‌اند. همچنین در بخشی با عنوان «زید و القرآن الکریم» از دانش گسترده زید از معارف قرآن بحث کرده و چگونگی تفسیر وی و راویانش را معرفی کرده‌اند. محقق

اعلام، طایفه‌ها و قبیله‌ها، نامهای حیوانات، گیاهان، کتابهای آسمانی، روزها، ستاره‌ها، جایها و موضوعات.

تفسیر غریب القرآن و الصفوه را آقای دکتر حسن حکیم به گستردگی و دقت و سودمندی تحقیق کرده‌اند. سنجش این دو چاپ و چگونگی چاپ آقای حکیم فرصتی دیگری طلبد. محمدعلی مهدوی راد

الغدیر فی التراث الاسلامی

سید عبدالعزیز الطباطبایی. (چاپ اول: بیروت، دارالمورخ العربی، ۱۴۱۴). ۳۳۶ص، وزیری.



«غدیر» با «شیعه و تشیع» پیوند ناگسستی دارد. «غدیر»، آن برکه خرد و آبگیر کوچک، چون این نیکبختی را یافت که در آن هنگامه بزرگ و نجم سترگ، مولی الموحدین علی بن ابی طالب -ع- را در آن دیار

بر روی دست پیامبر فراز آورد و ولایت و رهبری او را بر رواق تاریخ ثبت کند، جاودانه گشت. فراتر از آن، غدیر در معبر تاریخ، سمبل دفاع از حق، خلافت حق، آزادی و رادی شد و نام غدیر با نام زیبای علی -ع- که برای انسان رنج دیده همواره نقطه امید بوده است، پیوند خورد و مآلاً با آزادی، شرف، نستوهی و رادی.

در آن سال که گسترده‌ترین و شکوهمندترین حج نبوی شکل گرفت، تجمع مردم چنان بود که گزارشگری گفت: چون این سوی و آن سوی را نگرستم و به سوی خاور و باختر چشم دوختم، از پیادگان و سوارگان تا چشم می‌دید انسان بود و انسان. (مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۱۰۶).

پیامبر در میان آن مجتمع عظیم آن جمله شکوهمند و زرین (من کنت مولا فهذا علی مولا...) را بیان فرمود و از

همگان بر شنیدن آن گسوه گرفت و آنان را بر ابلاغش فراخواند و برگستراندن این پیام تأکید ورزید.

بدین سان، گو اینکه محدثان و مورخان بر تواتر حدیث غدیر تأکید ورزیده‌اند و بدرستی گفته‌اند که: هیچ

حدیثی در سنت نبوی در این حد از روایان برخوردار نیست، اما باید گفت که با این همه، روایان آن اندکند.

سیاست پنهانکاری درباره فضایل علی -ع- و فضیلت سبزی که پس از پیامبر -ص- به راه افتاد و دستهای آلوده‌ای که

کوشیدند هرگز از علی -ع- و فضایل او نگویند، تا بدانجا پیش رفتند و فضای رعب و وحشت آفریدند که «اصل

نسیان» را چنان گستراندند که علی -ع- چون در کوفه مردمان را برای گواهی دادن به این حقیقت فراخواند، بیش از

سی نفر بی‌ناخواستند. (ص ۱۱، همچنین ر. ک: مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۶؛ فضائل الصحابه احمد بن حنبل،

ج ۲، ص ۶۸۲، رقم ۱۱۶۷). و اگر نبود این فضای حق سبزی و حق پوشی باید روایان آن به هزاران تن می‌رسیدند.

در گذرگاه تاریخ، محدثان، مؤلفان، شاعران و حقسرایان بسیاری برای ثبت و ضبط این حادثه و فریادگری

این ماجرا، از جان سپهر ساختند و در آثار تفسیری، تاریخی، رجالی، ادبی و پژوهشی خود برغم جریان حاکم

«اخفاء» چگونگی آن را نوشتند و ثبت کردند. و کسان بسیاری نیز آثاری مفرد درباره آن حادثه، روایان و

گزارشگران آن و چگونگی گزارشها نوشتند و آثار مدون فرهنگ اسلامی را بدانها جلوه و شکوه بخشیدند. بدین

سان آن آبگیر کوچک در میدان فرهنگ و آوردگاه حق و باطل و رادمردی و نستوهی حق مداران سیلابی شد با

امواجی خروشان برای یکسوزدن خسها و خاشاکها و در

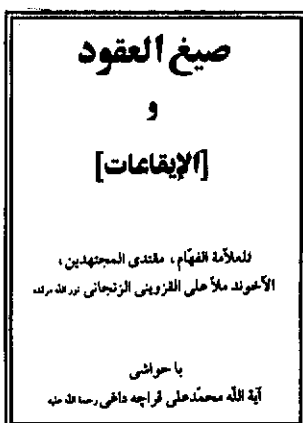
(۱۷۹)، مؤلف کتاب حاضر (۲۳۳-۲۴۵).

از برخی از کتابهای کهن که اکنون در اختیار نیست براساس منابع و مدارک موجود بتفصیل سخن رفته و چگونگی آنها شناسانده شده است. مانند کتاب الولاية طبری (۳۵-۳۷)، خصائص الغدير ثقة الاسلام كليني (۳۸-۴۱)، کتاب الولاية و من روی غدیر خم (۴۵-۴۸)، طرق حدیث الغدير، ابوطالب انباری (۵۲-۵۶)، طرق حدیث من کنت مولاه فعلى مولاه از حاکم نیشابوری (۶۱-۶۵) و ... در پایان کتاب فهرستهای فنی آمده است. فهرست آیات، احادیث، کتابها براساس قرنها، فهرست الفبایی کتابها، فهرست مؤلفان کتابها، اعلام، جایها، اشعار، مصادر بحث و فهرست موضوعات. الغدير فی التراث الإسلامی اثری است سودمند و سرشار از اطلاعات کتابشناسانه و رجالی. امیدوارم کتابشناسی سودمند و مهم مؤلف درباره اهل البيت -ع- با عنوان اهل البيت عليهم السلام فی المكتبة العربية نیز بزودی نشر یابد و پژوهشگران را بهره رساند.

محمد علی غلامی

صیغ العقود والأیقات

آخوند ملاً علی قزوینی زنجانی. با حواشی ملاً محمد علی قراچه داغی. تنظیم جواد بیات. (چاپ اول: قم، انتشارات شکوری، ۱۳۷۲). ۴۱۵ص، وزیری.



فقه، دانشی پراچ و گرانبار است که قرنهای آموزه زندگی فردی و اجتماعی امت بزرگ اسلامی بوده و به عنوان یک مدل تقنینی و تشریحی موفق رسالت بزرگی را در تنظیم روابط اجتماعی و حلّ مخاصمات و مراعات اعضای جامعه برعهده داشته است.

جهت نمایاندن چهره زیبا و دلربای حق.

آنچه اکنون مورد گفتگوست، کتابشناسی این پژوهشهاست به خامه کتابشناس و محقق عالیقدر و پراطلاع، حضرت آقای سید عبدالعزیز طباطبایی. این مجموعه آثاری را گزارش می کند که یکسره به مسأله غدیر پرداخته اند. کتاب براساس قرون تنظیم یافته و گزارش کلی از محتوای کتاب نشان می دهد که بیشترین آثار در قرن چهاردهم (۷۲ کتاب) نوشته شده است. آثار نگاشته شده در این زمینه از قرن دوم آغاز شده و اکنون نیز همچنان ادامه دارد و تا آنجا که شب پرستان، سپیده ستیزی را پیشه خواهند داشت، سیاهی ستیزان نیز برای برگرفتن نقاب از چهره حق و دریدن تزویر حق پوشان و نشان دادن جمال جمیل حق تلاش خواهند کرد. کتاب با مقدمه ای آغاز می شود خواندنی و زیبا و با عنوان «حدیث

الغدیر، رواته کثیرون للغایة ... قلیلون للغایة!» مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی در این مقدمه از اهمیت غدیر و چگونگی تحقق اعلام ولایت در آن مشهد جلیل و چگونگی روایت و راویان آن سخن به میان آمده است. و آنگاه گزارش کلی آثار گزارش شده در این مجموعه است و چگونگی این آثار در قرنها، مؤلفان آنها و ... سپس گزارش کتابهاست براساس سده ها. کتابهای یاد شده در هر قرن سعی شده است براساس زمان نگارش آنها طبقه بندی شود، اما در حد امکان؛ از این رو این طبقه بندی چندان دقیق نیست.

در ذیل کتابها از مؤلفان کتابها نیز سخن رفته است و از پیشینیان گاهی بتفصیل. از جمله: خلیل بن احمد زاهدی (۲۳-۲۵)، ابن عقده (۴۱-۴۵)، میرزا محمد علی اردوبادی (۲۰۱-۲۰۵) و از معاصران: علامه سید محسن امین عاملی (۱۴۲-۱۴۵)، علامه امینی (۱۷۴-

فقه با الهام از منابع مورد قبول اجتهاد (کتاب، سنت، اجماع و عقل) در هرچه برابرتر ساختن این دانش پرفایده در طول زمان و مطابق با نیازهای هر عصر بسیار کوشیده و تألیفات و تصنیفات جانداري در این زمینه پدید آورده اند، که البته اغلب آنها به زبان عربی است. برخی از فقیهان بزرگ نیز شماری از تصانیف فقهی خود را به فارسی نگاشته اند تا پارسی زبانان دین باور خود بتوانند از آبخورهای زلال و ناب آن بهره ببرند؛ که می توان در رأس این قبیل از فقیهان پرآوازه، از شیخ بهائی، صاحب جامع عباسی، نام برد.

آخوند ملا علی قزوینی زنجانی، ملقب و معروف به «قارپوز آبادی»، نیز از شمار همان فقیهان پرمایه و پرکار است که برخی از تصانیف فقهی خود را به زبان شیرین فارسی نگاشته است. کتاب صیغ العقود والأیقات او از جمله این کتابهاست. صیغ العقود از کتابهای جامع فقهی به زبان فارسی است که در تألیف آن روش ابداعی ویژه ای در پیش گرفته شده و به کار گرفتن همین روش ابداعی، ارزش و کارآمدی کتاب و جاذبه آن را افزون کرده است. این کتاب در یک مقدمه و سه باب و یک خاتمه سامان یافته است. مصنف در مقدمه آن از انگیزه نگارش کتاب سخن گفته و آنگاه اصطلاحات «صیغه»، «عقد» و «ایقاع» را تفسیر و تبیین نموده و به تنوع عقود و تقسیم آن به «عقد لازم و عقد جایز» پرداخته است.

در باب اول به گونه تفصیلی و جذاب درباره «صیغ عقود لازمه» و انواع آن (هفده نوع) و تبیین و تفسیر هر یک از این انواع به گونه جالب و استادانه پرداخته است، که در بین مباحث آن بحثها و عناوین جذاب و کارآمد نیز زیاد است که در دیگر آثار فقهی فارسی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. مانند بحث درباره «عقود ذمه و جزیه، امان و هُده» که امروزه از موضوعات مهم حقوق بین الملل محسوب می شود. (ر. ک: ص ۴۸-۳۹).

بحث و گفتگوی فقهی درباره این عناوین و مباحث می تواند در باروری هرچه بیشتر آنچه امروزه «فقه سیاسی» نامیده شده و در دانشگاهها نیز تدریس می شود، مؤثر افتد. باب دوم کتاب درباره «عقود جایزه» است که مصنف پس از تشریح معنای آن به بررسی انواع پرداخته و مجموع بحث را در یازده نوع به پایان آورده است.

مرحوم قارپوز آبادی در ضمن این باب از مسائل اقتصادی بسیار مهم عصر خود غافل نمانده و احکام فقهی آنها را بازگو کرده است. نظام ارباب و رعیتی، که اصطلاحاً نظام بهره و پنج یک نیز نامیده می شود، به عنوان یک معضل بزرگ عصر او مورد توجهش واقع شده و فتاوی آشکاری در بطلان آن داده است که شاید نظیر آن را با این صراحت در هیچ کتاب فتوایی و فقهی دیگری نتوان یافت. فئودالها و برخی از معتمین گاهی با تمسک ناروا به مسأله «مزارعه» به توجیه نظام ارباب و رعیتی برخاسته و می خواسته اند آن را مطابق اسلام و مشروع جلوه بدهند. ولی آخوند قارپوز آبادی با اینکه خود در عصر فئودالی می زیسته و از هر نظر مورد تهدید بوده است، با جرأت تمام به اظهار فتوا پرداخته و با صراحت اعلان داشته است که نظام ارباب و رعیتی به هیچ وجه با عنوان مزارعه فقهی تطبیق نمی کند و از اساس باطل و «بهره» های گرفته شده نیز حرام و سحت است.

او فتوا می دهد چون «بذر از رعیت است، همچنانکه در ولایت خمسه [زنجان] مجموع حاصل از اوست و به ارباب حبه ای نمی رسد. بلکه اجرت زمین باید از رعیت بگیرد و اجرت نیز پول است و نه گندم و جو و مانند اینها.» (ص ۱۲۲).

مباح کردم زراعت کردن شما را در ملک این قریه. و یا رعایا به مالک قریه بگویند که: ما مباح کردیم به تو این حصه که نماء بذر ما است. بلکه نهایت امر، آن است که راضی هستند هریک به عمل دیگری، پس نقل کلام به رضاء می‌نمائیم و می‌گوئیم رضاء هر دو به نحو لزوم است؛ یعنی صاحب زمین چنان خود را مسلط بر زراعت میدانند، که اگر حیوانی از حیوانات رعیتی که مجموع بذر از او است به میان زراعت برود، آن رعیت را جریمه و اذیت می‌نماید و می‌گوید که مال مرا و خود را ضایع کرده. و اگر رعیت چیزی از آن زراعت را ببرد، هم خودش را دزد می‌داند و هم مالک زمین او را. و اینها دلیل است بر اینکه رضاء مقید به مالکیت در ایشان هست، نه رضای مطلق. و قید که رفت مقید نیز می‌رود و به همین دلیل مقبوض به معامله فاسده را اجماعاً حرام دانسته‌اند.

و اما ثانی - پس به جهت اینکه در معاطات باید جمیع شرائط صحت آن معامله باشد، مگر صیغه. و مفروض این است که مالک زمین با رعیت نه مدت زراعت را تعیین می‌کند و نه زمین و نه حصه و نه غیر اینها را، بلکه به همان قسم متعارف زراعتی می‌نمایند و حصه [ای] که از قدیم متعارف است می‌برند و سال به سال رعیت ارباب را و ارباب رعیت را در این خصوص نمی‌بینند و اگر سؤال شود که گندم را در چند ماه و شلتوک را در چند ماه مزارعه نموده‌اید؟ اصلاً نمی‌فهمند که چه بگویند، بلکه بعد از تفهیم یقیناً می‌گویند که تعیین مدت نکرده‌ایم.

و اما ثالث - پس بدتر از آن دو است زیرا که سیره مسلمین در صورتی حجت است، که معارضه با اقوال فقهاء و اجماع ایشان ننماید و در این مقام جمیع فقهاء فرموده‌اند که مزارعه بدون صیغه و سایر

آنگاه ایشان متذکر شده که این قبیل مسائل را برخی، مانند علامه حلی در تذکره و میرزای قمی در جامع الشتات نیز گفته‌اند، ولی مردم بدانها اعتنا و عمل نمی‌کنند: «ولکن شریعت چنان از خاطر مردم محو شده است که در چنین عمل عظیم که اکل و شرب و لباس و سایر مایحتاج عموم ناس از اوست، چنان مسامحه نموده و بی‌تقلید و اجتهاد عمل کرده‌اند که وحشت از شنیدنش می‌نمایند، و مع هذا از آن حاصل اربابی و رعیتی، خود را مستطیع می‌دانند و به مکه می‌روند و حال آنکه یکسر مال غیر است! و خیرات و مبرات دیگر می‌نمایند و صدق از برای زوجات خود قرار می‌دهند و غلام و کنیز و دواب ابتیاع می‌نمایند و لباس آخرت و عبادت مهیا می‌نمایند و مساجد و منابر و تعمیر روضات متبرکه می‌نمایند و نمی‌دانند که فعل حرام می‌کنند و مسلمانان را به حرام می‌اندازند!» (ص ۱۲۴ - ۱۲۳) «تعمیر علوم»

آنگاه آخوند قارپوزآبادی از توجیه برخی از روحانیان در مسأله ارباب و رعیتی و مشروع و مطابق مزارعه جلوه دادن آن برآشفته و چنین می‌نویسد:

و بعضی از اهل علم به جهت عدم اطلاع به قواعد فقهیه، گاهی تحمل می‌نمایند به اینکه این مزارعات متعارفه [یعنی ارباب و رعیتی] از بابت اباحه است، و گاهی به اینکه مزارعه معاطاتی است، و گاهی به اینکه سیره مسلمین بر اینها جاری شده است و سیره مسلمین بالاتر از اجماع است. و حال آنکه هر سه به ادنی تأملی دفع می‌شود:

اما اول - پس بجهت اینکه اباحه نیز، یک لفظی و یا فعلی می‌خواهد که دلالت بر وی نماید و تا به حال نشنیده‌ایم که مالک قریه به رعایا بگوید که:

ارکان، باطل و مقبوض به جهت وی [آن] حرام است. بلکه در حقیقت این کلام، منع از سیره می نماید زیرا که علماء اعلام و صاحبان تقوی در هر زمان، با رعایای خود مزارعه می نمایند و یا به مصالحه و مانند آن حاصل را بر خود حلال می کنند، نه به همین قسم که حلال می شود.

و تطویل مقال در این مقام، اگرچه بیشتر از این ضروری [ی] است بجهت آنکه جمیع معاش و معاد مسلمین وابسته به مزارعه است، اما از وضع این رساله که از برای محض بیان عقود است خارج است. لهذا اقتضای بر تنبیه نمودیم و هر مؤمنی که سایر مسائل وی را طالب باشد، در کتب مطولّه مذکور است رجوع نماید و حقیر نیز در «نظام الفراید» که شرح است بر قواعد علامه مرحوم به بسط تمام تألیف نموده ام. (ص ۱۲۹ - ۱۲۵).

آخوند قارپوز آبادی در «خاتمه» کتاب به بررسی فقهی عقودی می پردازد که از دیرزمان در فقه جای داشته و لکن بنابر دلایل نادانسته در اعصار بعدی متروک گذاشته شده است که عبارتند از: «عقد بیعت»، «عقد ضمانت جریزه» و «عقد اخوت».

از میان اینها بویژه «عقد بیعت» که به مسائل رهبری در فقه شیعه و نحوه برگزاری مراسم بیعت امت با زمامدار و امام خودشان پرداخته، بسیار حائز اهمیت است و چنانکه خود آخوند قارپوز آبادی تصریح فرموده متأسفانه در فقه اهمیت لازم به این مسأله داده نشده است. تا آنجا که نگارنده این سطور آگاهی دارد این یکی از جامعترین و بهترین مباحث صورت گرفته راجع به «عقد بیعت» در فقه شیعه است. (ر. ک: ۳۳۹ - ۳۸۱).

ابوالفضل ایجرودی

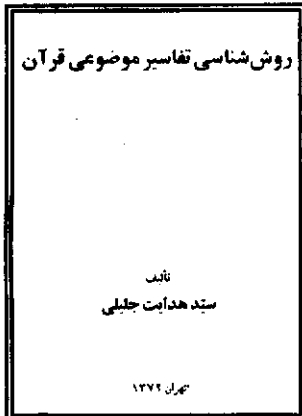
روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن

سید هدایت جلیلی، (چاپ اول، تهران، انتشارات کویر،

۱۳۷۲) ۲۵۸ ص رقیمی.

عنوان «تفسیر موضوعی»

بی گمان مستحدث است و توجه جدی بدان بیشتر و بیشتر از هر چیزی و امدار تحولات فکری و فرهنگی بنیادین در قرن چهاردهم است. قرن چهاردهم را، بدون هیچ تردیدی، باید دوره تجدید و تحول در



تفسیر قرآن دانست. در این قرن آثاری در آستانه قرآن پدید آمده که به لحاظ روش، مواد، تحلیل و گرایشهای گوناگون، یکسره با آنچه در قرنهای پیشین بوده، متفاوت است.

مؤلف در اثر حاضر کوشیده است این روش را در تفسیر حقایق الهی و معارف قرآنی ارزیابی کند و چندی و چونی آن را در مسیری که داشته، بشناساند. توضیح کوتاه مؤلف درباره این پژوهش چنین است:

در این تحقیق، تفسیر موضوعی را آنچنانکه «هست» نه آنچنانکه «باید» و به دیگر عبارت در مقام «تحقق» نه تعریف بازشناخته ایم و جنبه های روشی، ارکان معرفتی و مبانی تئوریک و نظری آن را کاویده ایم. (ص ۷).

کتاب حاضر از یک مدخل و سه بخش اساسی تدوین یافته است. در مدخل، در ضمن نه بحث، مقدمات لازم برای بحث و فحص اساسی از تفسیر موضوعی بررسی شده است. در فصل اول از خاستگاه اجتماعی - فرهنگی تفسیر موضوعی سخن رفته و زمینه هایی که موجب این گونه

«ماضرب رجل القرآن بعضه ببعض الأکفر» به دست داده شده است. (ص ۸۰-۶۱). دامنه «موضوع» در تفسیر موضوعی تا کجاست و چگونه تفسیرهایی را تفسیر موضوعی می‌نامیم، در فصل نهم به آن پرداخته و روشن شده است که چگونه در آثار برخی از قرآن پژوهان بین تفسیر موضوعی و مباحث علوم قرآنی از یکسو، و بین آن و تفسیر قرآن به قرآن خلط ناصوابی ایجاد شده است. (ص ۹۳-۸۷).

پس از این مقدمات مؤلف به عرضه بدنه اصلی کتاب می‌پردازد و آن را در ذیل سه عنوان «توصیف»، «تبیین» و «توصیه» بررسی می‌کند. در مرحله نخست ده نمونه از تفاسیر موضوعی را گزارش کرده و کوشیده‌اند چگونگی طرح موضوع، بررسی آیات و بهره‌وری از آنها و نتیجه‌گیری نهایی از منظر مفسران را بنمایانند. جبر تاریخ و جاوید ماندن اسلام از شهید مطهری، طبیعت دعوت اسلامی از شیخ شلتوت، صور بیان قرآن از سنن تاریخی از شهید صدر، اصالت فرد یا جامعه از محمد تقی مصباح، معنای قلب در قرآن از علامه طباطبایی و... برخی از این موضوعات است. (ص ۱۶۸-۹۹). سپس با عنوان «تبیین»، مؤلف می‌کوشد با توجه به مصادیق بررسی شده در مرحله نخست و بازیابی اوصاف مشترک نهفته در آنها به این سؤاها پاسخ دهد که تفسیر موضوعی چیست؟ ارکان آن کدام است؟ و بالآخره خاستگاه و مبانی تئوریک این پدیده چیست؟ از این رو این بحث در سه بخش: ۱) تعریف تفسیر موضوعی و ذکر مقومات تعریف ۲) ارکان تفسیر موضوعی ۳) مبانی تئوریک تفسیر موضوعی، سامان یافته است. مؤلف تفسیر موضوعی را چنین تعریف می‌کند: کوششی است بشری در فهم روشمند نظر قرآنی در سایه گردآوری مبتنی بر تئوری آیات پیرامون مسائل و موضوعات زنده عملی و نظری-برخاسته از معارف بشری و احوال حیات جمعی- که انتظار می‌رود قرآن سخن حقی در آن خصوص دارد.

نگرش به قرآن کریم گردیده، شمرده شده است. (ص ۱۷-۲۲). در فصل دوم از پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی بحث شده و بدرستی به مستحدث بودن آن اشاره گردیده و به برخی از خلطها در ارائه موضوع تنبه داده شده است. (ص ۲۳-۳۲). فصل سوم عهده دار تبیین جایگاه تفسیر موضوعی است در طبقه بندی تفاسیر؛ که در ضمن آن به دیدگاههای گونه‌گون درباره آن پرداخته شده است. در این فصل با اشاره به پیشینه کهن تفسیر ترتیبی، کارآمدی تفسیر موضوعی از نگاه تفسیر پژوهان بزرگی چون علامه شیخ محمود شلتوت و علامه شهید سید محمد باقر صدر توضیح داده شده است. (ص ۳۳-۴۱). در فصل چهارم نگاه برخی از نویسندگان به تفسیر موضوعی مطرح شده و نظر کسانی که معتقد به روشهای متعددی هستند، بدرستی نقدی و نشان داده شده است که آنچه در آن گونه نوشته‌ها آمده است، «روشهای تنظیم و ارتباط موضوعات مختلف تفسیری است» و نه روشهای تفسیر موضوعی (ص ۴۳-۴۶). در فصل پنجم از ارتباط تفسیر ترتیبی و موضوعی سخن رفته و نیازمندی تفسیر موضوعی به تفسیر ترتیبی شناسانده شده و رابطه طولی این دو بخوبی نموده شده است. (ص ۴۷-۵۱). در فصل ششم به ضرورت تفسیر موضوعی توجه شده است. در این بحث نشان داده شده که حضور عینی قرآن در آوردگاه اندیشه‌ها و پاسخ‌یابی از معارف آفتابگون آن از دهها پرسش برخاسته از تجربه بشر در حیات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بیش از هر چیزی وامدار حضور جدی تفسیر موضوعی در پژوهشهای قرآنی است. در فصل هفتم دلایل معارضان تفسیر موضوعی به دایره نقد ریخته شده و در ادامه بحث معنای دقیقی از روایت

این تعریف با تمام دقتی که در آن به کار رفته، تمام نیست. دست کم تعریفی برخاسته از نمونه ها و مصادیق موجود نمی تواند تلقی شود. سپس مؤلف بخشهای مختلف تعریف یا به تعبیر خودش «نکته های نهان در تعریف» و مقومات آن را شرح کرده است. سپس از ارکان تفسیر موضوعی (ارکان بیرونی و درونی آن) سخن رفته است و بالأخره از مبانی تئوریک تفسیر موضوعی بحث شده و در ضمن آن (۱) زبان دین می تواند استنباطهای علمی را القا کند، (۲) گزاره های دینی حقتند (۳) سازگاری درونی و بیرونی آیات و معارف آن و... به عنوان مبانی تئوریک تفسیر موضوعی مطرح شده اند. در مرحله سوم و پس از توصیف تفسیر موضوعی و تبیین چگونگی آن، از «توصیه» سخن رفته است. مؤلف ابتدا تأکید می کند که از تفسیر موضوعی - حتی از سوی کسانی که در این راه گام برداشته اند- تصویر درست و همه جانبه ای ارائه نشده است. او توصیه می کند که مفسر در این راه باید ذهن را معارف گونه گون بیاکند تا مواجهه او با قرآن مواجهه عالمانه باشد. وی در ادامه بحث روشن می کند که برای مفسر فرض است که (۱) معارف دینی (۲) معارف عصر را، بر دریافتن به حقایق قرآنی و به دست دادن پژوهی درست در تفسیر موضوعی بدقت دریابد و ذهن را از این دو بیاکند. وی بیشتر کلام شهید صدر - رضوان الله علیه - را آورده بود که:

بر ذمه مفسر موضوعی است که ابتدا خود را در میدان منازعات فکری، تجارب علمی بشری بیافکند. و آنگاه با کوله باری از تجارب بشری و سئوالاتی که اندیشه های بشری در انداخته است روی در روی قرآن بایستد و با ذهنی پر از مسائل و مالمال از پرسشهای عصر در مقابل معارف قرآنی زانوزند و آنها را بر آستان کلام الهی عرضه کند، یکایک بپرسد و پاسخ را از قرآن بازجوید. (ص ۸۴).

درکی پاسخگو به پرسشهای نظری و عملی عصر داشتن و تفسیر را مطالعه تاریخی کردن را نیز برای رسیدن به تفسیر

موضوعی استوار و کارآمد توصیه می کنند.

این نگاه گذرا با اینکه اندکی بتفصیل گرایید، اما هنوز هم نکته های گفتمانی و تأکید کردنی در این نوشتار بوده است که آنها را وامی گذاریم.

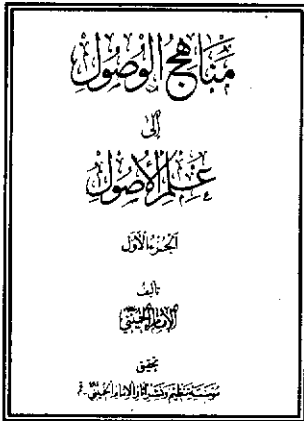
در ارزیابی کلی کتاب، اولین امتیاز آن را جدی بودن آن باید برشمرد. برای خواننده با نگاهی گذرا روشن می شود که نویسنده موضوع را جدی گرفته و ابعاد آن را بدرستی کاویده و در پی آن بوده است که بر این موضوع در حد توان پرتویی بیفکند و گفته ها را بی ثمر باز نگوید. دو دیگر آنکه کتاب روشمند است و از دیمی کاری به دور و از باری به هر جهت نویسی پیراسته. این بنده کتاب را بدقت خواندم و از آن بهره گرفتم. اکنون پس از این ارزیابی کلی باید برخی نکات ریز را نیز بیاورم.

در ضمن ده نمونه ای که برای ارزیابی آورده شده است، نمونه دهم در میان آثار نویسنده در ارائه این موضوع برجستگی ویژه ای ندارد و قطعاً در مقایسه با آثاری چون «بازگشت به قرآن»، «توحید و تکامل» و... از همان نویسنده بسی ضعیف است. از این روی مؤلف نتوانسته است بدرستی از این نقلها شیوه وی را استخراج و عرضه کند.

در پایان این بخش از کتابهایی یاد شده است که در تفسیر موضوعی سامان یافته اند. از این مجموعه، «علی مائده القرآن» چنین نیست و عناوین دیگر نیز بر پایه تعریف مؤلف از تفسیر موضوعی چنین نیست؛ بویژه دومین کتاب. از آثار مهمی در این زمینه غفلت شده است؛ از جمله از کتاب خواندنی و مهم «التفسیر الإسلامی للتاریخ» عمادالدین خلیل که بحثهای همگونی فراوانی با بحثهای شهید صدر دارد. مؤلف با تأکیدی که بر تعریف خود از «تفسیر

مناهج الوصول الى علم الاصول

الامام الخميني. (قم، تحقيق و نشر مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۳۷۳). ج ۲، ج ۱، ص ۴۱۹، ج ۲، ص ۳۳۹، وزيری.



دانش اصول به عنوان منطق فقاهت و اجتهاد از سده های نخستین مورد توجه فرزندان مسلمان بوده است. این علم در میان شیعه و اهل سنت ادواری را پشت سر نهاده تا در جایگاه کنونی قرار گرفته است. در

قرنهای اخیر میدانداران بزرگی همچون شیخ اعظم انصاری، آخوند خراسانی، میرزای نائینی، آقا ضیاء عراقی، محمد حسین اصفهانی (کمپانی) و ... در وادی این علم درخشیده اند. بحق امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - از فرزندان این فن در این عصر به شمار می آید.

از ایشان در زمینه علم اصول آثاری جاودانه به صورت تحریر و تقریر به یادگار مانده است که در میان آثار قلمی و تحریری معظم له جایگاه ویژه ای دارد.

ایشان یک دوره مباحث اصول را به قلم شریف خود تحریر نموده که قسمتی از آن به صورت تعلیقه بر کفایة الاصول و قسمتی دیگر به صورت تحریر است. این مجموعه به طور متناوب چاپ شده که آخرین حلقه از آن کتاب مناهج الوصول الى علم الاصول در دو جلد می باشد. فهرست این مجموعه قلمی با ترتیب مباحث علم اصول از این قرار است:

- ۱- مناهج الوصول الى علم الاصول، دو جلد، مباحث الفاظ، ۱۳۷۳ق؛ ۲- انوار الهدایة فی التعلیقه علی الکفایة، دو جلد، مباحث عقلی، ۱۳۶۸ق؛ ۳- قاعدة اللاضرر (رساله)، ۱۳۶۸ق؛ ۴- الاستصحاب (رساله)، ۱۳۷۰ق؛

موضوعی» دارد، جمع آوری آیات هم مضمون و گردآوری آیات براساس کلمات هم خانواده و مترادف را تلقی عوامانه از تفسیر موضوعی دانسته است؛ که قطعاً بی انصافی است. این گونه تفسیرها بواقع تفسیر موضوعی است، اما مرحله ابتدایی آن و با این همه کارآمد است و سودمند. اما اینکه وی پنداشته است که این گونه گردآوری صرف، تفسیر موضوعی تلقی شده و مآلاً به نقد آن پرداخته است (ص ۲۸) درست نیست. از این رو مؤلف یکی از این نمونه ها، عنوان کتابش را «المدخل الى التفسیر الموضوعی» گذاشته است!!

در صفحه «۱۹۶» در نقل کلام آقای سبحانی دقت لازم به کار نرفته است. باور به اینکه قرآن «به لسان قوم و همراهی با فرهنگ و فهم جامعه عصر نزول وحی» نازل شده است با این باور «که دین در تبیین پدیده ها از مجرای وحی، بیان مطابق با واقع را پیشه می کند» منافات ندارد! در ص ۱۷۷ آنچه به مرحوم شبر نسبت داده شده است، درست نیست. این مطلب از آن مرحوم آیت الله شیخ جواد بلاغی است در مقدمه تفسیر گرانقدر و ناتمام «آلاء الرحمن». این مقدمه را ناشر تفسیر مرحوم شبر در آغاز آن نهاده و تصریح کرده است که از مرحوم بلاغی است. دو دیگر اینکه این عبارت مؤلف «... و نیز تحلیل اقوال دانشمندان تجربی عصر خویش به این نتیجه رسیده اند (ص ۷۷)» درست نیست. مرحوم بلاغی اقوال دانشمندان تجربی عصر خویش را نقل و رد کرده اند.

درباره تعریف مؤلف از تفسیر موضوعی و توضیح بندهای مختلف آن و نیز تصویر درست از تفسیر موضوعی سخن بسیار است که می گذریم و برای مؤلف آرزوی توفیق می کنیم.

محمد علی مهدوی راد

۵- التعداد والتراجيح (رساله)، ۱۳۷۰ق؛ ۶- الاجتهاد والتقليد (رساله).

چهار عنوان اخير با نام «الرسائل» قبلاً به چاپ رسيده بود. همچنين انوار الهداية نيز در سال ۱۳۷۲ شمسي به چاپ رسيده است.

همان گونه که از تاريخ تاليف پيـداست، مناهج الوصول آخرين تاليف اصولي ايشان است. تاريخ تاليف رساله الاجتهاد والتقليد، گرچه همراه رساله ذکر نشده، ليکن تحرير آن قبل از مناهج بوده است، زيرا حضرت امام در مناهج به آن ارجاع داده اند. (ج ۲، ص ۲۸۱).

مناهج براساس نسخه اصلي مؤلف، توسط مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني -ره- در دو جلد تحقيق و چاپ شده است. کتاب با مقدمه آيت الله فاضل و مقدمه مؤسسه شروع مي شود. آيت الله فاضل در مقدمه خویش به سير علم اصول در میان شیعه، برخی دیدگاههای جدید حضرت امام را در علم اصول و روش اصولی ايشان پرداخته اند. مقدمه مؤسسه هم به بیان روش تحقيق و مراحل کارهای انجام شده در این اثر اختصاص دارد.

پاره ای از ویژگیهای این اثر از این قرار است:

۱- نوآوریها. در این نوشته آراء و نظریات نو و دارای ثمر فراوان یافت می شود که می توان به این موارد اشاره کرد: موضوع علم (ج ۱، ص ۳۹ و ص ۳۲۸)، تعريف علم اصول (ج ۱، ص ۵۴-۵۰ و ص ۳۲۹-۳۲۸)، معنای حرفی (ج ۱، ص ۹۹)، مناقشه در تقسیم وضع به تعیینی و تعیینی و ارائه تعريفی نو از آن (ج ۱، ص ۱۴۰)، تقسیمی زیبا و متقن از انواع واجبات شرعی (ج ۱، ص ۲۵۹-۲۵۸)، صحت امر به اهم و مهم بدون ترتب (ج ۲، ص ۲۳ و ۴۸)، تقسیم حکم به کلی و جزئی و ثمرات آن (ج ۲، ص ۲۶-۲۵).

۲- ایراد و مناقشه در بسیاری از عنوانهای رایج به عنوان یک مبحث گرچه قراردادی و جعلی است، اما در تصویر محل بحث نقش موثری دارد. حضرت امام به بسیاری از

عنوانهای رایج در کتب اصول ایراد گرفته و آنها را گویای مطالب نمی بیند. مثلاً: عنوان بحث صحیح و اعم (ج ۱، ص ۱۴۴)، جواز اجتماع الامر والنهی (ص ۲۸۴)، تخصیص العام بالضمیر الراجع الی بعض افراد (ج ۲، ص ۲۹۳).

۳- پرهیز از مباحث زائد و کم ثمر. حضرت امام از مدافعیان «حذف مباحث زائد و کم ثمر» در علم اصول است. این مطلب را در الرسائل (ج ۲، ص ۹۸-۹۷) و انوار الهداية (ج ۱، ص ۳۱۷ و ۳۴۹) گوشزد فرموده اند.

خود نیز در این اثر بدان توجه داشته است و بدین جهت در مقایسه با کتابهایی مانند محاضرات فی اصول الفقه آیت الله العظمی خوئی و بحوث فی علم الاصول (شهید صدر) از حجم بسیار کمتری برخوردار است.

از بحث حقیقت شرعی با اشاره ای گذشته و به بی ثمری آن تصریح کرده است (ج ۱، ص ۱۳۸). همچنین بحث طلب و اراده را متناسب با اصول ندانسته و آن را از این مجموعه حذف کرده است (ج ۱، ص ۲۴۲).

۴- رعایت مرز علوم. خلط مباحث و مبانی علم اصول با فلسفه و گاهی عرفان از لغزشگاههای بزرگ اصولیان است. در این اثر به مواردی از این خلطها و پرهیز از آن توجه داده است: قاعده الواحد در اصول نباید به کار گرفته شود (ج ۱، ص ۱۴۸)، تفکیک مباحث عرفانی از اصول (ج ۱، ص ۱۸۴ و ص ۳۷۸)، تفکیک میان علل تشریحی و تکوینی (ج ۱، ص ۲۷۷-۲۷۵)، ماهیات فقهی اعتباری است و ربطی به اصالة الوجود ندارد (ج ۲، ص ۶۴)، تفکیک میان اسباب شرعی و علل تکوینی (ج ۲، ص ۱۹۵ و ۲۰۷ و ۲۱۸).

در این راستا به همین مختصر اکتفا کرده و با ویژگیهای تحقیق آن می پردازیم. محققان عالیقدر و سختکوش

ایمان شافعی مذهب، جایز نمی دانستند و عده ای دیگر آن را به نکاح با کفار تشبیه کرده و می گفتند چون ازدواج با ذمیه جایز است ازدواج با زن شافعی نیز جایز است. (ر. ک: مقدمه المغنی مع الشرح الكبير ج ۱ ص ۱۳). و «اختلاف امتی رحمة» را نیز به همین معنا می دانستند در حالی که هیچ تردیدی نیست که اختلاف موجب سستی و ضعف مسلمانان گشته و قرآن مجید در آیات متعدد از این اختلافات نکوهش نموده است. و بحمدالله تعالی مکتب شیعه همیشه منادی وحدت بوده است و در کتابهایی که در بیان اختلافات نوشته اند دائماً به دنبال انصاف و پرهیز از دشمنی و بغضاء بوده اند.

در میان اهل سنت گرچه کتابهای زیادی در فقه مقارن نوشته شده است اما آنها کمتر به مذهب حقه جعفری پرداخته اند. اما کتابهای شیعه برخی تنها به بیان اختلافات فقهای شیعه - رضوان الله علیهم - پرداخته اند مثل «مختلف الشیعة»، «مفتاح الکرامه» و برخی به بیان اختلافات بین شیعه و دیگر مذاهب پرداخته اند مثل «الخلاف» و «تذکره الفقهاء» این کتاب از مهمترین کتابهای فقه مقارن در مذاهب اسلامی است که مولف عظیم الشأن آن علامه آیه الله حسن بن یوسف بن مطهر حلی - قدس الله ارواحهم - آن را برای فرزند خود تالیف، و بر چهار قاعده مرتب کرده است و هر قاعده ای از آن دارای چند کتاب می باشد. این کتاب، دوره کامل فقه نیست و تنها تا پایان کتاب النکاح را دربردارد که به حسب تقسیم مؤلف در ۱۵ جزء می باشد و طبق پیش بینی موسسه آل البیت (ع) چاپ جدید آن در ۲۰ مجلد خواهد بود، و فعلاً سه جلد آن که تا پایان جزء دوم به حسب تجزیه مولف است و تا آخر احکام السهو از کتاب الصلاة را دربردارد منتشر شده است.

قبلاً این کتاب در دو مجلد بزرگ رحلی بدون هیچ گونه فهرست و راهنمایی، با صفحاتی پر، چاپ شده بود، به طوری که گاه، یافتن یک مطلب در آن مستلزم صرف ساعتها وقت است. اهمیت فوق العاده این کتاب، که مهمترین منبع

مؤسسه، تحقیق کتاب را بسیار عالی و متقن به انجام رسانده اند. از جمله:

۱- مستندسازی کلیه ارجاعات، حتی مواردی که به صورت اشاره در متن آمده است، به حدی که در این دو جلد تنها به سه منبع دست نیافته اند.

۲- ترجمه اعلام و شخصیتهایی که در متن از آنها نامبرده شده و ارائه منابعی برای تحقیق بیشتر.

۳- تنظیم فهرستهای یازده گانه، از کارهای بالارزش در این کتاب است.

خلاصه اینکه تحقیق این اثر بسیار کاملتر از تحقیق انوار الهدایه انجام گرفته است و محققان به پاره ای از ایرادها در تحقیق انوار الهدایه توجه داشته و در رفع آن کوشیده اند. این نگاه گذرا به یمن انتشار آن به قلم آمد. بررسی تفصیلی این اثر گرانقدر و نمودن ابعاد مختلف آن و مقارنه دیدگاههای ابتکاری مؤلف با اصولیان را می گذاریم تا فرصتی دیگر.

مهدی مهریزی

تذکره الفقهاء

علامه حلی، تحقیق موسسه آل البیت علیهم السلام لاجیاء التراث، (قم، ۱۴۱۴). ج ۳: ۴۰۶ + ۵۳۱ + ۲۸۶ ص، وزیری. فقه مقارن بخشی از علم فقه است که به جهت اهمیت آن در عرض علم فقه به کار برده می شود در این علم به اختلافات فقها در مسائل گوناگون فقهی پرداخته شده و به دلیل هر کدام اشاره می گردد. متأسفانه در گذشته اختلافات مذاهب اسلامی بقدری زیاد بوده که برخی از فقهای اهل سنت، ازدواج مرد حنفی را با زن شافعی به دلیل شک در

شیخ اعظم انصاری - رحمه الله علیه - در خبیرات مکاسب می باشد، ضرورت تصحیح آن را مجسم می نمود. و اینک موسسه آل البیت - علیهم السلام - پس از چندین سال تلاش و تحقیق، سه مجلد از این کتاب را به صورت بسیار زیبایی تصحیح کرده و نشر داده اند. استخراج منابع و اقوال این کتاب، کاری عظیم و مستلزم صرف چندین سال وقت می باشد - که بر اهلش پوشیده نیست - که اینک بحمد الله انجام شده است.

در مقدمه کتاب به معرفی مهمترین کتابهای مذاهب اربعه اهل سنت پرداخته شده است و در این قسمت لازم بود برخی از مهمترین کتابهای فقهی شیعه را نیز معرفی می کردند. و پس از توضیحی پیرامون فقه مقارن به شیوه تصحیح کتاب پرداخته اند. و پانزده نسخه خطی کتاب که مورد استفاده قرار گرفته و حتی برخی از آنها که بر خود مؤلف کتاب قرائت شده اند معرفی گردیده اند و منابع بسیار زیادی از اهل سنت در استخراج اقوال آنها مورد استفاده قرار گرفته اند که در جلد آخر کتاب معرفی خواهند شد.

از نسخه های خطی بنحو کاملاً مطلوبی استفاده شده است به طوری که نسخه بدلهایی که معلوم است غلط می باشند و نیز آنچه غیر ضروری است در پاورقی ها آورده نشده اند که موجب شلوغی صفحات و سردرگمی خواننده شود.

برخی از احادیثی که در مقدمه کتاب مورد استشهادهای قرار گرفته اند آدرس آنها ذکر نشده است (ر. ک: ج ۱ ص ۷). در آدرسهایی که در مقدمه کتاب به سوره های قرآن منجید داده شده است شماره سوره علاوه بر نام سوره ذکر شده است ولی در داخل کتاب، شماره سوره ها آورده نشده که از روش واحدی پیروی نشده است. در اندک مواردی آدرس روایات به کتاب «عوالی اللالی» داده شده است که دو قرن پس از کتاب «تذکره الفقهاء» تألیف شده است (ر. ک: ج ۱ ص ۱۵).

در پایان توفیق موسسه فوق را در به انجام رساندن این

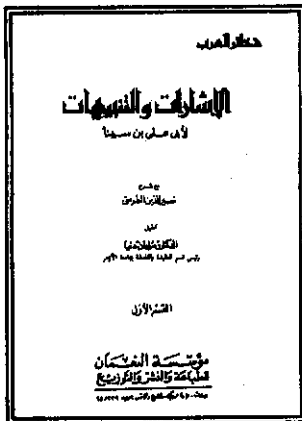
کار بزرگ و چاپ هرچه زودتر همه مجلدات آن از خدای متان مسألت دارم.

محمد خطیبی نژاد

الإشارات و التنبیها ت لابی علی بن سینا مع شرح

نصیر الدین طوسی

تحقیق دکتر سلیمان دنیا (بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۳). ۴ جلد: ۵۱۸ + ۴۶۷ + ۳۳۱ + ۱۷۶ ص، وزیری.



پس از کتاب شفاء مهمترین اثر فلسفی شیخ الرئیس ابوعلی سینا کتاب اشارات است. این کتاب که جزء آخرین تالیفات شیخ می باشد با یک ترتیب منظم و دقیقی ده نهج را به منطق و سه نمط را به طبیعیات و چهار نمط را به الهیات فلسفه و سه

نمط را به عرفان اختصاص داده است. و چون این کتاب به عنوان کتاب درسی نوشته شده است هرگز در آن ارجاع به آینده و یا کلماتی از قبیل «سیاتی» وجود ندارد. و هر بحثی را کاملاً در جای خود مطرح نموده است.

سه نمط پایان کتاب بهترین بخش آن می باشد، ابن سینا در این قسمت کتاب خواسته است که عرفان را برهانی نماید و کاملاً از عهده آن برآمده است. حضرت استاد آیه الله حسن زاده آملی - حفظه الله تعالی - نقل می فرمود: «شیخ در ایامی که این سه نمط را می نوشته در چله بوده است».

استاد شهید مطهری می فرماید: «مخاطب این غزل

جدید و به صورت فنی آن را می‌طلبید. در سال ۱۴۰۳ قمری، دفتر نشر کتاب و نیز کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی دو چاپ متفاوت از این کتاب را نشر دادند اما هیچ کدام از این دو چاپ نیز آن گونه که زینده این کتاب است نبودند.

آقای سلیمان دنیا در سال ۱۹۴۷ م. این کتاب را تصحیح و در سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ م. آن را در مصر چاپ نمود. و در سال ۱۹۷۱ م. (۱۳۹۱ ق.) پس از بازنگری مجدد آن را چاپ نمود و اینک (۱۴۱۳ ق) همان تصحیح دوم در بیروت افست و در چهار مجلد منتشر شده است.

مصحح که در هیچ جای کتاب اختلاف نسخ را در پاورقی نمی‌آورد و تنها در اندک مواردی در متن کتاب می‌گوید: «وفی نسخة کذا...» ر. ک: ج ۱، ص ۳۱۲ و ص ۳۶۲ - و حتی در مقدمه، نسخه‌هایی را که مورد استفاده قرار داده است معرفی نمی‌کند. در مقدمه کتاب روش خود را این گونه توجیه می‌کند: «مصحح با آگاهی به روش مؤلف و نسخ باید به دنبال عبارت مؤلف بوده و متن صحیح را انتخاب نماید و جمع کردن اختلاف نسخه‌ها در پاورقی در واقع به معنی جمع کردن چند نسخه در یک نسخه می‌باشد و من هر چند منکر ارزش آن نیستم ولی این یک کار عالمانه نیست بلکه بیشتر به کار نسخ شبیه است. و این گونه تحقیق متون که توسط مستشرقین آغاز شد سبب رکود علم و خصوصاً فلسفه اسلامی گردید. سپس تأکید دارد که کار تصحیح متون یک وسیله است و نباید وسیله را با هدف اشتباه نمود و گرچه وسیله لازم است اما هدف مهمتر است. و نباید در ابتدای راه درنگ نمود و لذا بر اختلاف نسخ، زیاد مکث نکردم و آنچه که معلوم است از تحریف ناسخان است دیگر معطل آن نشدم».

سپس در پاسخ این سؤال که شاید آنچه را شما به عنوان متن انتخاب کرده‌اید به نظر دیگران اشتباه باشد و عبارت نسخه‌های دیگر صحیح باشد و شما آنها را ذکر نکرده‌اید. می‌گوید: این کلام باطلی است که بسیار به حق شبیه است و

حافظ بوعلی است که مقامات العارفین نوشت:

عارف از پرتو می‌راز نهانی دانست
گوهر هر کس از این لعل توانی دانست
قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس
گر نه هرکو ورقی خواند معانی دانست
ای که از بستر عقل آیت عشق آموزی
ترسم این نکته به تحقیق ندانی دانست

(نمایشگاه راز. ص ۱۰۱)

این سینا در آخرین فصل کتاب، شرایطی را بر خواننده آن قرار داده و به استادان آن توصیه می‌کند که مطالب این کتاب را تنها بر کسانی که واجد آن شرایط هستند عرضه بدارند. کتاب اشارات و همچنین شرح خواجه بر آن چندین قرن است که کتاب درسی حوزه‌های علمیه بشمار می‌رود. حضرت آیه الله حسن زاده آملی تدریس این کتاب را در حوزه علمیه قم در ۱۳/۹/۱۳۶۳ شروع و در ۲۶/۳/۶۷ آن را به پایان بردند. آن درس علاوه بر آنکه درس شرح اشارات به همراه تصحیح کتاب بود، یک دوره فلسفه مشاء و حکمت متعالیه و عرفان بود و عده زیادی از طلاب از آن محفل پرفیض بهره بردند. و اکنون مدتی است که موسسه امیر کبیر تصمیم به پیاده کردن نوارهای آن درس و آماده کردن بر چاپ داشته و قسمتی از این کار را تاکنون انجام داده است. و نمط اول آنرا خود حضرت استاد به بهترین وجهی تحریر و ویرایش نموده و نمط چهارم آنرا نیز نگارنده این سطور تحریر کرده است که - انشاء الله - بزودی در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

اهمیت فوق العاده کتاب اشارات و نیز شرح خواجه بر آن و نبودن چاپ مصحح و منقح از آن همیشه ضرورت تصحیح

باز تاکید می کند که در مقدمات نباید زیاد مکث نمود.

محقق کتاب، بحث مفصلی را به دفاع از قیاس ارسطویی در برابر اشکالاتی که بر آن گرفته می شود قرار داده است. آنگاه به بیان شرح حال خواجه و نیز ابن سینا پرداخته و فصیحه عینیه شیخ و نیز وصیت او را به ابوسعید نقل کرده است. و نکات جالبی را بیان کرده است. مثل پاورقی ص ۸۷ج ۱، و در تمام این مقدمه و شرح حالی که ذکر کرده است از ذکر منابع و مآخذ آن کاملاً خودداری کرده است.

در مقدمه ۱۴۰ صفحه ای جلد دوم کتاب می گوید: «نبايد تنها به آراء فلاسفه امروز پرداخت و از گذشته فلسفه بی خبر بود و کلام دکارت را نقل کرده است که محال است دلیل جدیدی بر اثبات وجود خدا یا بر تمایز نفس انسانی از بدن غیر از آنچه قدما به دست آورده اند به وجود آورد». (ر. ک: ج ۲ ص ۲۷). سپس به بحث از فلسفه دکارت و مقایسه آن با فلسفه ابن سینا پرداخته و می گوید: ابن سینا پیش از دکارت از راه شک و دلیل تجربی در نمط سوم اشارات نفس انسانی را اثبات نموده است. و هر دو از راه نفس انسانی وجود خداوند را اثبات می کنند. سه مسأله مهم فلسفی: ارتباط عالم با خداوند، علم حق تعالی به جزئیات و معاد جسمانی از دیگر مباحث مقدمه کتاب است. و در مسأله اول می گوید: «فرق است بین آنکه عالم، واجب القدم باشد یا جایز القدم. و ابن سینا به دومی معتقد است و آنچه که کفر است اولی است» (ر. ک: ج ۲ ص ۱۰۰). از اینجا به خوبی روشن است که محقق هیچ آشنایی با حکمت متعالیه ندارد گذشته از آنکه در سرتاسر دو مقدمه مفصل کتاب هیچ نامی از صدرالمتهلین نمی برد.

در این تصحیح عبارتهای شیخ الرئیس را با حروف درشت در بالای هر صفحه قرار داده و در پایین صفحه شرح خواجه را قرار داده است و کلماتی که از فخر رازی نقل شده در گیومه قرار داده شده است به طوری که هر کدام به سهولت از دیگری تشخیص داده می شود. جلد اول کتاب منطق، و دوم آن طبیعیات فلسفه، و سوم الهیات فلسفه، و

چهارم عرفان می باشد. این چاپ مزایای زیادی بر چاپ دفتر نشر کتاب دارد، زیرا اولاً: همه فصلهای کتاب با عنوان «فصل» و با شماره فصل مشخص شده است که برای رجوع به آن بسیار کارگشاست. ثانیاً: برخی از عبارتهای شیخ در این چاپ وجود دارد که در چاپهای دیگر نیست؛ مثلاً فصل هفتم از نهج چهارم منطق کتاب تنها در همین چاپ است و محقق در پاورقی می گوید: «لاوجود لهذا الفصل فی النسخة التي شرحها الطوسي» (ر. ک: ج ۱ ص ۲۹۱). ثالثاً: برخی از شکلهایی در کتاب آورده شده که به فهم آن کمک می کند مثل ج ۱ ص ۱۳۵. گرچه لوحی که در ج ۱ ص ۱۸۲ از چاپ دفتر نشر کتاب وجود دارد در این تصحیح جدید آورده نشده است. رابعاً: تصحیح کتاب دقیق می باشد و مقدار زیادی از آن با متنی را که حضرت آیه الله حسن زاده آملی موقع تدریس تصحیح نمودند مقابله گردید و معلوم شد که بسیاری از غلطهای کتاب اصلاح شده است. به هر حال چند عیب اساسی در این تصحیح وجود دارد:

- ۱- نسخه های خطی که مورد استفاده قرار داده معرفی نکرده است.
- ۲- در سرتاسر کتاب بیش از دو سه پاورقی از محقق وجود ندارد.
- ۳- ارجاعات کتاب و آدرس آیات، روایات و مآخذ نقل اقوال داخل متن کتاب را مشخص ننموده است.
- ۴- فهرستهای لازم برای کتاب تهیه نشده است جز یک فهرست فصول که آن هم عناوین فصول و محتوای فصل را بیان نمی کند بلکه تنها مقداری از عبارت فصل را در فهرست آورده است.
- ۵- علی رغم تصحیح کتاب هنوز غلط هایی در آن وجود دارد.

احمد عابدی

